

محمدصادق امانی

از متن تا حاشیه طرح صیانت از فضای مجازی

صیانت از نگاه نو

حتما شما هم لابه‌لای اخبار از طرح صیانت شنیده‌اید. طرحی که دستمایه خبری بسیاری از رسانه‌ها شد و شاید اصل ماجرا زیر خروارها حاشیه پنهان ماند. از چند منظر سعی کردیم درباره‌اش بنویسیم.

نگاه مخالف



با اولین خبرهایی که در خصوص طرح صیانت در فضای مجازی و حقیقی پیچید واکنش‌های اولیه بسیاری از افراد به خصوص در فضای مجازی این بود که مردم خیلی از این‌که صیانت شوند راضی نیستند. یکی می‌گفت: باید جمع کنیم و از ایران برویم. دیگری معتقد بود: کسب‌وکارهای مجازی به‌زودی تعطیل می‌شوند. از یک سو می‌گفتند: از این بعد دیگر باید با قاطر و کبوتر نامه‌بر و دود خبررسانی کنیم و تا مدتی دیگر اینستاگرام و واتساپ بسته می‌شوند.

این البته فقط واکنش مردم عادی نبود، بلکه حتی در دل خود مجلس هم این طرح مخالفانی داشت. مثلا جلال محمودزاده، نماینده مردم مهاباد معتقد بود: «در شرایطی که مردم با مشکلات جدی اقتصادی مواجه هستند چه ضرورتی دارد طرحی برای محدودسازی فضای مجازی تعبیه شود؟ کمیسیون فرهنگی هنوز به چارچوب فکری دقیقی در این خصوص دست نیافته است.»

قطعا نگرانی از وضعیت مشاغل در فضای مجازی که در شرایط کرونایی بیش از پیش به داد مردم رسید بجاست. به این شرایط، سرعت پایین اینترنت و پهنای باند را هم که اضافه کنیم، مسأله وخیم‌تر هم می‌شود. از طرفی عدم موفقیت پلتفرم‌های داخلی در جذب مخاطب و ارائه سرویس مناسب، مردم را نسبت به مهاجرت از شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و واتساپ به نمونه‌های داخلی بدبین کرده است.

این نگرانی‌ها واکنش‌هایی هم از سوی برخی چهره‌های نام‌آشنا داشت. مثلا نامه سرگشاده رضا کیانیان به رئیس مجلس که در بخشی از آن گفته بود: «از نمایندگان مجلس تشکر می‌کنم. از تصویب طرح محدود کردن اینترنت!!! طرحی که زمان معجزه هزاره سوم علنی شد و سال‌ها خاک خورد و حالا شما به انجامش رساندید.»

نگاه نو



برخی عادت دارند اگر کسی زمین خورد تا از کنارش رد می‌شوند یک لگد هم به او بزنند. همین مسأله در مورد اخبار و اطلاعات مختلف هم نمونه‌های فراوان دارد. انگار منتظریم یک خبر از هر منبعی با هر میزان اطلاعات منتشر شود تا در اولین فرصت موضع مخالف خود را در روشنفکرانه‌ترین حالت ممکن ارائه کنیم؛ چیزی که در مورد طرح صیانت به اوج خود رسید.

تکلیف رسانه‌های معاند هم که روشن است. کار از سمت ایشان مثل همیشه تا جایی بالا گرفت که خبر زدند: «بازگشت ایران به ۱۵۰۰ سال پیش».

اما حلقه مفقوده این ماجرا کجاست؟ به نظر می‌رسد برخلاف این‌که این روزها خیلی‌ها معتقدند توضیح باعث ضعف است، گاهی توضیح می‌تواند نجات‌دهنده باشد. کاری که مجلس شورای اسلامی کمی دیر دست به آن زد و باعث شد با نبود خبر موثق، هر رسانه‌ای ادعاهای صد من یک غاز کند. وقتی توییتر را بالا و پایین می‌کنیم مردم کوچه و بازار با هم می‌گویند مجلسی که باید الان مسأله خوزستان و برق و مسکن و... را حل کند چرا رفته است دنبال طرحی که حالا شاید اینستاگرام را هم از دست مشاغل مجازی بگیرد؟! حال تصور کنید قبل از این‌که مردم صبح از خواب بیدار شوند و ببینند این طرح تصویب شده، اهالی مجلس و همان دغدغه‌مندان محترم، از طریق صداوسیما و رسانه‌های مربوط، مفصل راجع به این طرح شفاف‌سازی می‌کردند. آن وقت چه می‌شد؟ آیا ورق برنمی‌گشت؟

الحق که ماه درخشنده که پنهان شود / شب‌پره بازیگر میدان شود.

نگاه موافق



طبیعتا موافق اصلی طرح، تعدادی از نمایندگان مجلس هستند. البته مهم‌ترین نکته که بارها هم به آن اشاره کرده‌اند این است که برای اصل طرح هنوز اتفاق خاصی نیفتاده بلکه صرفا نحوه بررسی آن در مجلس مشخص شده و قرار است کمیسیون مشترک به‌طور تخصصی روی آن وقت بگذارد. و نکته دیگر نیز، آزمایشی بودن طرح است حتی پس از تصویب شورای نگهبان.

اما در مورد اهمیت پرداختن به این طرح، سیدعلی یزدی‌خواه، از اعضای مجلس اشاره کرده است: «متأسفانه ما شاهد ولنگاری در فضای مجازی هستیم و برای مقابله با این وضعیت و همچنین حمایت از جوانان، نیاز به این طرح داریم و ما باید خودمان یک پلتفرم داخلی طراحی و حتی آن را به سایر کشورها صادر کنیم.»

این ولنگاری البته چیزی نیست که ما بخواهیم کتمان کنیم، حتی در مورد فضای اینستاگرام حتما خیلی از والدین نگرانی‌های درستی در مورد فرزندان‌شان دارند. یا مثلا در ماجرای شهید سلیمانی همه ما اقدام زشت صاحبان این شبکه اجتماعی را در حذف سخن حق‌مان به یاد داریم و بدیهی است نباید نسبت به این مسائل بی‌توجه باشیم و از کنارشان به سادگی عبور کنیم.

با این حال قالیباف، رئیس مجلس در پاسخ به کسانی که نگرانی‌هایی در خصوص پلتفرم‌های پرکاربرد خارجی به عنوان منبع کسب درآمد مردم داشته‌اند گفت: «هیچ طرحی در حال حاضر تصویب نشده و مجلس صرفا به آغاز بررسی طرح رای داده است. طرح در کمیسیونی از منتخبین کمیسیون‌ها به صورت علنی و شفاف بررسی خواهد شد. عمده ادعاها درباره طرح خلاف واقع است. مسدودسازی اینستا و واتساپ برنامه مجلس نیست و طرح درخصوص این پلتفرم‌های پرکاربرد باید اصلاح شود».

گاومیش‌های محمد



محمدامین ناصرین
خبرنگار

وارد روستا که شدیم، دوان‌دوان به طرفم آمد، دوربین و میکروفن را دیده بود، هنوز نه سلامی نه علیکی، بلند رو به من گفت: عامو بُخُدا گاومیشامون دارن می‌میرن، یکیشونم سه روز پیش مُرد. ساکت نشد، ادامه داد: عامو بیا نگاه کن آب رودخونه لجنه.

می‌خواستم به قول امروزی‌ها جذبش کنم، با همان عربی دست و پا شکسته که بلد بودم نامش را پرسیدم: شسمک حبیبی؟

پاسخ داد: محمد.

دست انداختم دور گردنش و پا به پایش از مسیر پشت خانه‌شان تا دم رودخانه رفتیم، رنگ کدر آب رودخانه، حرف محمد را تصدیق می‌کرد، اغلب گاومیش‌ها در آب کم رودخانه، برای این‌که بیشتر سطح بدن‌شان در آب باشد نشسته بودند؛ آبی که چون کم بود شبیه لجن بود، چیزی که به چشم دیدم به من ثابت کرد بیراه نمی‌گویند که نیاز است تا حجم آب بیشتری از پشت سدها رها سازی شود تا این رود کم‌رمق، جانی بگیرد و کرخه همان کرخه‌ای بشود که هم دل گاومیش‌ها را شاد می‌کرد، هم صاحبان‌شان را.

همین‌طور که لب رودخانه مشغول گپ و گفت (بخوانید درددل کردن) با من بود، دستم را گرفت و گفت نزدیک‌تر بیا، رفت وسط آب و سر یکی از گاومیش‌ها را بغل کرد و به



سمت من چرخاند: نگاش کن، می‌بینی چقدر ناراحته؟ راست می‌گفت، چشم‌های آن گاومیش روایتگر درد بی‌آبی آنها بود. با خودم گفتم این زبان‌بسته شاید می‌خواهد فریاد العطش بزند اما حتی رمقی برای فریاد زدن هم ندارد.

محمد را صدا زدم و گفتم که دیرم شده، باید فیلم‌ها را به تدوینگر برسانم. دستم را به نشانه خداحافظی تکان دادم اما فریاد زد: صبرکن عمو. شالاپ شلوپ دوان‌دوان از توی آب به طرفم دوید تا به من رسید با همان لهجه شیرینش گفت: به خدا نمی‌ذارم بری، وقت ناهاره، ما عربیم، زشته بذاریم مهمونمون بدون پذیرایی بره.

خیلی اصرار کرد و قبول کردم. در مسیر خانه‌شان از آرزوهایش گفت؛ از اهدافش.

محمد گفت تا لیوان آبی بخوری و خستگی در کنی، ناهار آماده است، ناهار عدس پلو داریم.

تا سفره را پهن کنند، در همان اتاق پذیرایی جمع و جورشان که به آن مضیف می‌گویند، به یک‌جا خیره بودم، تصویر دلربای حاج‌قاسم...